بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه تجاری در آموزش عالی ایران

جعفر امیری فرح‌آبادی[1]
محمود ابوالقاسمی[2]
سعید سلیمانی[3]

چکیده

در سال‌های اخیر و با توجه به ظهور اندیشه‌های جدید همچون رویکرد نوین مدیریت عمومی، جوامع و اقتصادهای دانش‌بنیان و جهانی‌شدن؛ مفاهیم کارایی، اثربخشی و پاسخ‌گویی در بخش عمومی، توجه بیشتری را به خود معطوف کرده‌اند. آموزش عالی ایران نیز مستثنا از این تحولات نبوده است و سعی در تغییر رویکرد خود در جهت تجاری-سازی فعالیت‌های دانشگاه و همخوانی بیشتر با تغییرات محیطی داشته است. در این راستا هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه‌تجاری در آموزش عالی ایران بوده است. به‌منظور دستیابی به این هدف رویکرد ترکیبی- متوالی مدنظر قرار گرفت، در مرحله کیفی پژوهش، با مرور اسناد و پژوهش-های موجود و در ادامه انجام مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختارمند با ۹ نفر از خبرگان آموزش عالی به‌صورت هدفمند و تا مرحله اشباع نظری، شاخص‌های حکمرانی شبه‌تجاری (بازار گرا)، در مدلی شامل چهار بعد: زمینه‌ای، مالی، علمی و سازمانی، شناسایی شدند. در گام بعد، به‌منظور اجرای تحلیل عاملی تأییدی، این شاخص‌ها، در اختیار مشارکت‌کنندگان بخش کمی پژوهش قرار گرفت. شاخص‌های نکوئی برازش نشان از تأیید مدل پژوهش داشت و مقایسه میانگین نمونه و میانگین مفروض با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای، حاکی از عدم همگرایی حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی ایران با رویکرد شبه‌تجاری مصرح در اسناد بالادستی آموزش عالی ایران داشت.

واژگان کلیدی: آموزش عالی ایران، تجاری‌سازی دانشگاه، شاخص‌های حکمرانی دانشگاهی، حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری

۱-دانش‌آموخته‌ی دکتری آموزش عالی، گرایش برنامه‌ریزی توسعه ، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده مسئول: jamirifarahabadi@yahoo.com

۲-دانشیار گروه رهبری و توسعه آموزش، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی: m-abolghasemi@sbu.ac.ir

۳- دانش‌آموخته‌ی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی: s_soleymani63@yahoo.com

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

مقدمه

امروزه آموزش عالی یکی از اصلی‌ترین ارکان توسعه پایدار و همگون کشورها محسوب می‌شود. ازاین‌رو، هر تصمیم و سیاستی که بر نحوه فعالیت‌ها و پیامدهای دانشگاه تأثیرگذار باشد، اهمیتی فزاینده می‌یابد. دانشگاه‌ها نقشی استراتژیک، در خلق، انتشار و کاربرد دانش بر عهده‌دارند (موک[1]، ۲۰۱۰: ۴۲۳) و منافع شخصی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها، کاملاً پذیرفته‌شده است (نیسار[2]، ۲۰۱۴: ۱). توصیف دانشگاه، به‌عنوان نوع خاصی از سازمان‌ها، پیچیده و دشوار است (برادشاو و فریدت[3]، ۲۰۰۹: ۱۲۳)، همچنان که مینتزبرگ[4] در توصیف پیچیدگی دانشگاه‌ها، مفهوم بروکراسی حرفه‌ای را بیان می‌نماید که هم هنگام در بستری از ساختارهای سازمانی قوی و درجه بالایی از استقلال فعالیت می‌کنند (دونینا[5] و دیگران، ۲۰۱۵: ۳). این پیچیدگی به مباحثی همچون حکمرانی دانشگاهی که مستقیماً دربرگیرنده فعالیت‌ها و سیاست‌های دانشگاه می‌باشد، بازمی‌گردد (برادشاو و فریدت، ۲۰۰۹: ۱۲۳).

باوجود اهمیت فزاینده حکمرانی دانشگاهی و توجه ویژه پژوهش‌های خارجی در مورد تحولات این مهم، هنوز پژوهشی جامع در راستای شناسایی شاخص‌های حکمرانی شبه‌تجاری (بازار گرا) در نظام آموزش عالی ایران و بررسی همگرایی یا واگرایی رویکرد کنونی حکمرانی دانشگاهی با ظهور روند تجاری‌سازی در نظام آموزش عالی ایران، صورت نپذیرفته است. این در حالی است که سیاست‌های آموزش عالی ایران در سال‌های اخیر، درمجموع از منطق موجه و پایداری تبعیت نکرده‌اند و فاقد خصیصه‌های بایسته‌ای بوده‌اند که معمولاً از یک نظام سیاستی انتظار می‌رود؛ مانند سنت نظری قابل دفاع، نیکویی برازش، سازگاری خلاق با تحولات محیط جهانی و بین‌المللی، ظرفیت پیش‌بینی رفتار کنشگران، پیوستگی، یکپارچگی، قابلیت اجرایی، کارآمدی، اثربخشی عناصر اخلاقی، توانایی حل رضایت‌بخش تعارض‌ها، تولید توافق و کیفیت و تأثیر مطلوب اجتماعی. بنا بر پاره‌ای از مطالعات و مستندات و شواهد، بخش بزرگی از مسائل دانشگاهی در ایران، به یک‌جهت از کاستی‌ها و ناراستی‌های سیاسی کلان نشات گرفته است (فراستخواه، ۱۳۹۲: ۳-۱). از سوی دیگر، مباحثی همچون تصمیم‌سازی، سیاست پژوهی[6] و سیاست-گذاری ذیل رویکرد حکمرانی دانشگاهی قرار می‌گیرند (امیری و دیگران، ۱۳۹۵). به‌عبارت‌دیگر، نوع حکمرانی دانشگاه و جهت‌گیری آن، سیاست‌های مصوب آموزش عالی را تعیین و توجیه می‌نماید. می‌توان گفت، کژ کارکردی

1. Mok
2. Nisar
3. Bradshaw & Fredette
4. Mintzberg
5. Donina et al
6. Policy Research

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

سیاست‌گذاری در نظام آموزش عالی ایران، مستقیماً مرتبط به مسئله حکمرانی دانشگاهی است؛ بنابراین واکاوی مسئله حکمرانی دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران، از اهمیت و اولویت بالایی برخوردار است. پرواضح است که هرگونه تغییر و تعدیلی در کنش‌های دانشگاه به‌سوی گزینش کنش‌های شبه‌تجاری و بازارگرایانه (مطابق اسناد بالادستی)، مستلزم همنوایی و هم‌راستایی رویکرد حکمرانی دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه ی پژوهش

حکمرانی دانشگاهی مفهومی مناقشه آمیز است (کارنگی و تاک[1]، ۲۰۱۰: ۴۳۸) و به‌طور روزافزون بر پیچیدگی آن افزوده می‌شود (دیلینتی[2]، ۲۰۱۰: ۱۸۶). حکمرانی دانشگاهی به معنای روش‌ها و فرایندهای قانونی است که دانشگاه-ها امورات خود را هدایت می‌کنند. به‌بیان‌دیگر، حکمرانی دانشگاهی به‌عنوان رفتاری مبتنی بر قدرت و اختیار در تخصیص و مدیریت منابع است که شامل تصویب سیاست‌ها، تصمیم‌گیری، کنترل و هدایت سازمان، به‌منظور افزایش اثربخشی، می‌باشد (کوئن[3]، ۲۰۱۳: ۸۲۹).

این مفهوم طی دهه‌های اخیر دچار تحولات اساسی شده است (کاپانو[4]، ۲۰۱۱: ۱۶۲۲). خاستگاه تحولات مذکور، به پویایی‌ها و چالش‌های فراروی آموزش عالی و دانشگاه بازمی‌گردد. پژوهش‌گران و اندیشمندان مختلف چالش‌های چندی را در حوزه آموزش عالی مدنظر قرار داده‌اند که بر نحوه حکمرانی و مدیریت دانشگاه‌ها تأثیرات عمیقی بر جای گذاشته است و در عموم موارد موجب تحرک حکمرانی دانشگاه‌ها به‌گزینش رویکردهای بازار گرا و شبه-تجاری شده است. مواردی همچون: ظهور جوامع و اقتصادهای دانش‌بنیان[5] (سم و سیج[6]، ۲۰۱۴: ۸، بروکر[7] و دیگران، ۲۰۱۵: ۴، رولندز[8]، ۲۰۱۳: ۲، نگ[9]، ۲۰۱۲: ۴۳۹، دیگو[10]، ۲۰۱۴: ۱)، رویکرد نوین مدیریت عمومی[11]

1. Carnegie & Tuck
2. Delanty
3. Quyên
4. Capano
5. knowledge societies & Economies
6. Sam & Sijde
7. Broucker
8. Rowlands
9. Nag
10. Diogo
11. New Public Management

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

(سانتیاگو[1] و دیگران، ۲۰۱۵: ۱۴۷۱، موک، ۲۰۱۰: ۴۲۲، کریستینسن[2]، ۲۰۱۰: ۵۰۳)، توده‌ای شدن آموزش عالی (لو و تانگ[3]، ۲۰۱۷: ۳)، افزایش مقیاس و محدوده پژوهش‌های دانشگاهی (جیونا و ماسیو، ۲۰۰۹: ۹۴)، ارتقای پاسخ‌گویی اجتماعی، افزایش شفافیت، کارایی، تجاری‌سازی[4] و کاربردی نمودن دانش دانشگاهی (برادشاو و فریدت، ۲۰۰۹: ۱۲۳، بلیکلی و دیگران[5]، ۲۰۱۳: ۱)، مسائل بودجه‌ای و تأمین مالی دانشگاه‌ها، رقابت‌های ناشی از بین‌المللی و جهانی‌شدن دانشگاه‌ها، پیشرفت‌های تکنولوژیکی (اختر و کلثوم[6]، ۲۰۱۲: ۸۲، اندرز، ۲۰۰۴: ۳۶۱، یانوزاوا و شیمی[7]، ۲۰۱۵)، خصوصی‌سازی، تمرکززدایی و مقررات زدایی آموزش عالی (دی‌بوئر و دیگران[8]، ۲۰۰۷: ۲۷، موک، ۲۰۰۹: ۳۵)، بررسی و کنترل بیشتر نظام‌های دانشگاهی (کریستینسن، ۲۰۱۰، دابینز، ۲۰۱۱: ۶۶۵)، افزایش تقاضا برای تناسب و ارتباط بیشتر صلاحیت‌ها و مدارک دانشگاهی با نیازها و خواسته‌های بازار کار (دابینز، ۲۰۱۳: ۹۸۹) و بسیاری چالش‌های دیگر از این نوع که موجب ایجاد تغییرات بنیادی در نحوه حکمرانی دانشگاه‌ها و تغییر از حالت‌های سنتی به مدل‌های جایگزین حکمرانی دانشگاهی شده است.

در سال‌های اخیر رویکردهای مختلفی از حکمرانی دانشگاهی به لحاظ جهت‌گیری غالب در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، معرفی‌شده است. آگاسیستی و کاتالانو[9]، ۲۰۰۶، مدل‌های بازاری[10] و مرکزی[11]؛ سم و سیج، ۲۰۱۴، مدل‌های هومبولتی[12]، ناپلئونی[13]، آنگلوساکسونی[14] (اکسبریجی[15]) و آنگلوامریکن[16]؛ آپکاریان و دیگران[17]، ۲۰۱۴،

1. Santiago
2. Christensen
3. Lo & Tang
4. Commercialization
5. Bleiklie
6. Akhtar & Kalsoom
7. Yonezawa & Shimmi
8. DeBoer
9. Agasisti & Catalano
10. Market Model
11. Centralistic Model
12. Humboldtian Model
13. Napoleonic Model
14. Anglo-Saxon Model
15. Oxbridge Model
16. Angli-American Model
17. Apkarian et al

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

مدل حکمرانی اشتراکی[۱]؛ اختر و کلثوم، ۲۰۱۲، مدل‌های حکمرانی کنترلی[۲] و نظارتی[۳]؛ بلیکلی و دیگران، ۲۰۱۳، مدل‌های حکمرانی نخبگان[۴]، مردم‌سالارانه[۵] عمومی[۶] و ذی‌نفعان[۷]؛ کاپانو[۸]، ۲۰۱۱، مدل‌های حکمرانی سلسله مراتبی[۹]، رویه‌ای[۱۰]، هدایت و راهبری دولت[۱۱]، خود حکمرانی[۱۲]؛ کارنگی و تاک، ۲۰۱۰، مدل‌های حکمرانی آکادمیک، کسب‌وکاری، شرکتی و ترکیبی[۱۳]؛ دابینز و نیل[۱۴]، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ و فرلی و دیگران[۱۵]، ۲۰۰۸، مدل‌های حکمرانی هومبولتی (خود حکمرانی)، بازار محور و دولتی؛ شاتوک[۱۶]، ۲۰۰۲، مدل‌های حکمرانی شرکتی، علمی و مشارکتی؛ ترکمن[۱۷]، ۲۰۰۸، مدل‌های حکمرانی دانشکده‌ای[۱۸]، شرکتی، هیئت‌امنایی[۱۹]، ذی‌نفعان و مشارکتی[۲۰] را مدنظر قرار داده اند.

واکاوی پیشینه پژوهش گویای توجه جدی به مسئله حکمرانی دانشگاهی در نزد محققان خارجی می‌باشد. دابینز (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان بررسی حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی لهستان و رومانی، با استفاده از روش کیفی: مطالعه موردی، به واکاوی تغییرات حکمرانی دانشگاهی در دو کشور مذکور در دوره پسا کمونیست پرداخته است. نتایج پژوهش مذکور نشان از آن دارد که در هر دو کشور لهستان و رومانی، مکانیزم‌ها و حکمرانی‌های جدید

1. Shared Governance
2. State Control
3. State Supervising
4. The university as a Community of Scholars
5. The University as Representative Democracy
6. The University as a Public Agency
7. The University as an Enterprise of Stakeholders
8. Capano
9. Hierarchical Mode
10. Procedural Mode
11. Steering at the Distance mode
12. Self-Governance mode
13. Integrated Model
14. Dobbins & Knill
15. Ferlie at al
16. Shattock
17. Trakman
18. Faculty Governance
19. Trustee Governance
20. Amalgam models of Governance

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

رقابتی و بازار گرا، به‌منظور تقویت خروجی‌های دانشگاه و تضمین پیوندهای سازنده‌تر با جوامع تجاری، مورد تأکید دولت‌ها و دانشگاه قرارگرفته است.

دابینز (۲۰۱۷) در پژوهشی دیگر با عنوان اروپایی سازی دانشگاه؛ تجزیه‌وتحلیل اصلاحات حکمرانی آموزش عالی در فرانسه و ایتالیا، با استفاده از شاخص‌های تجربی، به مقایسه مسیر تحولات حکمرانی آموزش عالی این کشورها، به‌عنوان کشورهای پیشرو در اروپایی سازی آموزش عالی (به‌واسطه بیانیه‌های سوربن و بلونیا[1]) پرداخته است. نتایج پژوهش، نشان‌دهنده موفقیت بیشتر آموزش عالی فرانسه در تغییر حکمرانی مرکزی و دولتی دانشگاه‌ها، به رویکردهای حکمرانی بازار گرا و پژوش‌محور بوده است. در مقابل آموزش عالی ایتالیا، در بسیاری جنبه‌ها به حکمرانی خودگردانی دانشگاهی[2] نزدیک شده است.

موک و هان (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان سیاست و حکمرانی آموزش عالی در چین: مدیریت تمرکززدایی و بین-المللی شدن، باهدف بررسی تأثیرگذاری اندیشه‌های نئولیبرال بر تحولات حکمرانی آموزش عالی، در دانشگاه‌های بین‌المللی کشور چین، با استفاده از روش کیفی در دو گام تحلیل اسناد و انجام مصاحبه‌های نیمه ساختارمند، باهدف بررسی تأثیرگذاری اندیشه‌های نئولیبرال بر تحولات حکمرانی آموزش عالی، به مطالعه دانشگاه‌های بین‌المللی کشور چین پرداخته است. نتایج پژوهش مذکور، نشان از تأثیر فزاینده نظریات بازار گرا بر آموزش عالی بین‌المللی کشور چین دارد. همچنین یافته‌های پژوهش چگونگی تأثیر قوانین و مقررات بازار در شکل‌دهی آموزش عالی بین‌المللی و تحولات حکمرانی دانشگاهی را نیز نشان می‌دهد.

دائو (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان اصلی‌ترین چالش‌ها در اصلاحات حکمرانی، تضمین کیفیت و تأمین مالی آموزش عالی ویتنام، با استفاده از رویکرد کیفی و انجام مصاحبه‌های عمیق با مدیران ارشد و میانی آموزش عالی، به بررسی چالش‌های مذکور در آموزش عالی ویتنام پرداخته است. نتایج پژوهش، دلالت بر حکمرانی ضعیف آموزش عالی، فقدان تضمین کیفیت واقعی و کمبود منابع مالی و بودجه‌ای آموزش عالی ویتنام داشته است.

با توجه به مطالعات صورت گرفته و جمع‌بندی آن‌ها، می‌توان به چند نکته، به شرح زیر اشاره نمود:

- ✓ علی‌رغم عناوین مختلف موجود در مورد الگوهای حکمرانی دانشگاهی، می‌توان با در نظر گرفتن مفاهیم، شاخص‌ها و خصوصیات مورد تأکید الگوها تا حدود زیادی آن‌ها را در الگوی سه‌گانه کلارک[3] با عناوین حکمرانی دولتی، حکمرانی بازار محور و الیگارشی علمی (خود حکمرانی اعضای علمی دانشگاه) خلاصه نمود

[1]. Sorbonne & Bologna Declaration
[2]. Academic Self-Regulation
[3]. Clarke Triangle

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

(دابینز، ۲۰۱۱: ۶۶۷-۶۶۶)؛ بنابراین در پژوهش حاضر، تقسیم‌بندی کلارک از حکمرانی دانشگاهی، به جهت روشن‌تر بودن ملاک تقسیم‌بندی و جامعیت بیشتر، موردتوجه بوده است.

- ✓ نمی‌توان برای آموزش عالی همه کشورها، یک الگوی واحد را مناسب دانست، بلکه رویکرد گزینش نوع خاصی از حکمرانی تا حدود زیادی وابسته به بسترهای مختلف فرهنگی، تاریخی و اقتصادی کشورهاست (نات و پاین[1]، ۲۰۰۴) و اینکه دانشگاه خواهان دستیابی به چه جایگاهی است (ترک‌من، ۲۰۰۸) توجیه‌کننده نوع حکمرانی دانشگاهی است. درعین‌حال می‌توان گفت تغییرات حکمرانی دانشگاهی به‌نوعی بازتاب روند تغییرات در سیستم‌های سیاسی- مدیریتی جامعه نیز می‌باشد (کریستینسن، ۲۰۱۰: ۵۰۴) و باید در این بسترها موردتوجه قرار گیرد.
- ✓ از میان چالش‌های مختلف تأثیرگذار بر روند شکل‌گیری و جهت‌گیری آموزش عالی، می‌توان رویکرد نوین مدیریت عمومی (دیگو، ۲۰۱۴: ۳) را پررنگ‌تر دانست. از این منظر، کشورهای مختلف ساختارهای حکمرانی دانشگاهی خود را موردبازنگری قرار داده‌اند و هم‌راستا با تحولات جهانی و مباحثی مانند افزایش کارایی، اثربخشی، توان رقابتی، انعطاف‌پذیری، چابکی و پاسخگویی، در جهت رویکردهای حکمرانی بازار گرا، تجاری‌سازی و خصوصی‌سازی دانشگاه، گام برداشته‌اند (رک: لو، ۲۰۱۷، روس، ۲۰۱۷، موک، ۲۰۱۰، سوسانتی[2]، ۲۰۱۱، موک، ۲۰۰۵، آلستالو و پلتولا[3]، ۲۰۰۶، بروکر، ۲۰۱۵). می‌توان گفت که با توجه به مطالعات و پژوهش‌های اخیر، دولت‌ها در عموم کشورها، دانشگاه‌ها را در جهت گزینش رویکرد شبه‌تجاری فعالیت‌های خود، سوق داده‌اند[4] و سعی در کاهش تمرکز در امور رهبری، مدیریت و به‌طور کل حکمرانی دانشگاهی داشته-

---

[1]. Knott & Payne

[2]. Susanti

[3]. Alestalo & Peltola

[4]. لازم به ذکر است که تجاری‌سازی فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی و ... دانشگاه، نافی رسالت‌ها و کارکردهای اجتماعی و عمومی علم و دانشگاه نمی‌باشد و مطمئناً تأکیدات برنامه‌های توسعه، سند چشم‌انداز و سیاست‌های ابلاغی وزارت علوم در این حوزه، موجب مغفول ماندن این رسالت‌ها نخواهد شد. سوسانتی (۲۰۱۰) برخی از آسیب‌های تجاری‌سازی و بازار گرایی دانشگاه‌ها را مورد مداقه قرار داده است، مانند تهدید ارزش‌های آکادیک، سوگیری یافته‌های پژوهش‌های علمی در جهت خواست بازار، تضعیف استانداردهای تعالی علمی و غیره. در پژوهش حاضر به فرض حفظ رسالت‌های علم و دانشگاه، سعی شده است امکان‌سنجی تحقق رویکرد حکمرانی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران ارزیابی شود.

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

اند[1]. پژوهش‌گران اتخاذ رویکرد حکمرانی بازار محور و شبه‌تجاری را از منظر بهبود دائم کیفیت نیز موردتوجه قرار داده‌اند (سوسانتی، ۲۰۱۱: ۲۱۰).

- ✓ در مواجهه با یافته‌های پژوهشی مختلف، می‌توان به ارتباط تنگاتنگ مباحث استقلال دانشگاهی[2]، آزادی علمی[3] و حکمرانی دانشگاهی پی برد. ازاین‌جهت می‌توان اذعان داشت که هرچند استقلال دانشگاهی را نباید به‌طور کامل محدود به استقلال مالی دانشگاه‌ها دانست و امکان ظهور استقلال دانشگاهی، حتی در مواردی همچون حکمرانی دانشگاهی دولت‌محور نیز وجود دارد، ولی عموم پژوهش‌ها بر استقلال مالی که از رهگذر تجاری-سازی فعالیت‌های دانشگاه اعم از آموزش، پژوهش و خدمات و ارتباط نزدیک با صنعت، بازار کار و به‌طور کل ذی‌نفعان بیرونی دانشگاه، امکان تحقق می‌یابد، صحه می‌گذارند.

بدیهی است که تجلی حداکثری ظرفیت‌های تجاری‌سازی (برخی از فعالیت‌ها)، در آموزش عالی ایران نیازمند تحول حکمرانی دانشگاهی در جهت گزینش حکمرانی شبه‌تجاری و بازارگرایانه است در غیر این صورت خواسته‌هایی ازاین‌دست می‌تواند نوعی دوگانگی و تضاد را در ماهیت کارکردی و ساختاری دانشگاه به وجود آورد. ازاین‌رو هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی همگرایی نوع حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی ایران با جهت‌گیری فعالیت-های شبه‌تجاری دانشگاه بوده است.

اهداف پژوهش

هدف اصلی

بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه‌تجاری در آموزش عالی ایران.

اهداف جزئی

شناسایی شاخص‌های حکمرانی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران؛

شناسایی وضعیت حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران بر اساس شاخص‌های زمینه‌ای؛

---

[1]. در ایران طی سال‌های اخیر و در قالب برنامه‌های توسعه (برنامه ششم توسعه) به‌عنوان نمود اصلی تعیین چشم‌انداز و مأموریت بخش‌های مختلف کشور، دولت دانشگاه‌ها را ترغیب به تجاری‌سازی فعالیت‌های (پژوهش و نوآوری) خود نموده است. این مهم ممکن نخواهد شد مگر به‌واسطه تغییر رویکرد دانشگاه‌ها در ساختارهای حکمرانی و تغییر آن‌ها از حکمرانی دولت‌محور به حکمرانی‌های دیگری همچون کارآفرینانه و...

[2]. University Autonomy

[3]. Academic Freedom

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

شناسایی وضعیت حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران بر اساس شاخص‌های مالی؛
شناسایی وضعیت حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران بر اساس شاخص‌های علمی؛
شناسایی وضعیت حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران بر اساس شاخص‌های سازمانی.

روش پژوهش

پژوهش حاضر ازلحاظ هدف پژوهش، توسعه‌ای و کاربردی به شمار می‌رود. به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش حاضر، رویکرد ترکیبی- متوالی موردتوجه قرار گرفت. با توجه به این‌که تاکنون پژوهشی با محوریت شناسایی شاخص‌های حکمرانی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران، انجام نگرفته بود و ازآنجاکه بررسی همگرایی نوع حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی ایران با جهت‌گیری شبه‌تجاری، نیازمند وجود شاخص‌هایی برای ارزیابی این مهم است، بنابراین در مرحله نخست، با مرور پیشینه و ادبیات موجود درزمینه حکمرانی دانشگاهی (و خصوصاً حکمرانی شبه‌تجاری) و سپس انجام مصاحبه‌های هدفمند و نیمه ساختاریافته و تحلیل محتوای کیفی آن‌ها، لیستی از شاخص‌های حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران توسعه یافت. لازم به ذکر است که فرایند مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری[1] (شکل‌گیری مقولات و تکرار موارد پیشین)، ادامه یافت. در این راستا مصاحبه با ۹ نفر از متخصصین و خبرگان مبحث حکمرانی دانشگاهی که تجارب ارزشمند مدیریتی در سطوح گروه، دانشکده، دانشگاه و وزارتخانه (حداقل ۵ سال) داشتند، انجام شد (جدول ۱). در ادامه به‌منظور انسجام مفهومی بیشتر شاخص-های شناسایی‌شده، با در نظرگیری مطالعات پیشین و آرای مشارکت‌کنندگان و خبرگان نظری پژوهش، در رویکردی قیاسی، در چهار بعد زمینه‌ای، علمی، مالی و سازمانی طبقه‌بندی شدند. با توجه به اینکه پژوهش‌گر و مشارکت-کنندگان، اطلاعات مناسبی در مورد ابعاد و شاخص‌های حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری داشتند، برای تقلیل متغیرها به عامل‌ها، نیازی به انجام تحلیل عاملی اکتشافی[2] نبود. در تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش، به‌منظور افزایش روایی[3]، مواردی همچون تطبیق توسط اعضا[4] و بررسی همکار[5] (کرسول و میلر[6]، ۲۰۰۰) مدنظر قرار گرفت. پایایی ابزار نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲۱ گزارش شد. در مرحله دوم (کمی)، ابزار توسعه‌یافته در مرحله

1. Theoretical Saturation
2. Exploratory Factor Analysis
3. Validity
4. Member Checking
5. Peer debriefing
6. Creswell & Miller

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

قبل در جامعه پژوهش که شامل مدیران سطوح مختلف دانشگاهی (مدیران گروه، دانشکده و حوزه معاونت و ریاست دانشگاه‌های دولتی منتخب شهر تهران) بودند، توزیع شد. تعداد اعضای جامعه با توجه به مراجعات حضوری و اطلاعات گزارش‌شده در سایت ۶۵۴ نفر گزارش شد (جدول ۲). با توجه به فرمول کوکران نمونه پژوهش ۲۴۲ نفر محاسبه شد که بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای در اختیار مشارکت‌کنندگان بخش کمی پژوهش، قرار گرفت. به‌منظور تحلیل داده‌های حاصل نیز به‌تناسب از آزمون‌های ناپارامتریک (آزمون دوجمله‌ای/نسبت[1]، کولموگروف-اسمیرنوف تک نمونه‌ای[2]، آزمون فریدمن[3]) و تحلیل عاملی تأییدی[4] مرتبه اول و دوم و آزمون T تک نمونه‌ای[5]، استفاده شد.

جدول ۱- مشارکت‌کنندگان بخش کیفی پژوهش

ردیف	مشخصات	مدت مصاحبه
۱	وزیر اسبق علوم، تحقیقات و فناوری	۵۵ دقیقه
۲	معاون پژوهشی اسبق وزیر علوم، تحقیقات و فناوری	۵۷ دقیقه
۳	استاد مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی	۶۵ دقیقه
۴	استاد مدیریت دولتی دانشگاه تهران	۶۰ دقیقه
۵	استاد مدیریت دولتی دانشگاه تربیت مدرس	۷۰ دقیقه
۶	استادیار مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور	۸۰ دقیقه
۷	دانشیار مدیریت آموزشی دانشگاه تهران	۷۵ دقیقه
۸	دانشیار سیاست علم و فناوری دانشگاه صنعتی شریف	۶۵ دقیقه
۹	دانشیار گروه مکانیک دانشگاه علم و صنعت و معاون آموزشی سابق دانشگاه	۷۰ دقیقه

1. Binominal Test
2. One Sample K-S
3. Friedman Test
4. Confirmatory Factor Analysis
5. One Sample T-Test

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

جدول ۲- توزیع فراوانی جامعه و نمونه آماری به تفکیک دانشگاه

ردیف	دانشگاه	جامعه آماری				نمونه آماری	
		هیئت‌رئیسه دانشگاه	رئیس و معاونین دانشکده	مدیران گروه	جمع	فراوانی	درصد
۱	تهران	۸	۶۹	۹۱	۱۶۸	۶۲	۲۶
۲	شهید بهشتی	۷	۶۶	۷۸	۱۵۱	۵۶	۲۳
۳	تربیت مدرس	۷	۵۱	۵۳	۱۱۱	۴۱	۱۷
۵	صنعتی شریف	۸	۶۲	۵۴	۱۲۴	۴۶	۱۹
۶	صنعتی امیرکبیر	۹	۴۶	۴۵	۱۰۰	۳۷	۱۵
جمع کل		۳۹	۲۹۴	۳۲۱	۶۵۴	۲۴۲	۱۰۰

یافته‌های پژوهش

به‌منظور دستیابی به هدف اصلی پژوهش که بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه‌تجاری در آموزش عالی ایران بوده است، در مرحله نخست، با مرور مطالعات پیشین در حوزه حکمرانی دانشگاهی، مواردی را که می‌توانست به‌عنوان شاخص در ارزیابی وضعیت حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری مورداستفاده قرار گیرد، شناسایی شد. در مرحله دوم، به‌منظور در نظرگیری بسترهای خاص نظام آموزش عالی ایران (به لحاظ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی)، مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با خبرگان و متخصصان آموزش عالی انجام گرفت. لیست حاصل از مرور ادبیات و پیشینه و یافته‌های مصاحبه‌ها، به‌صورت ترکیبی در جدول ۳ ارائه‌شده است. در مرحله بعد، به‌منظور ارزیابی وضعیت کنونی حکمرانی دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران (پس از تکمیل لیست شاخص‌ها و تبدیل آن‌ها به

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

گویه‌های پرسشنامه با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت[۱]) از مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، خواسته شد تا در مورد هر یک از شاخص‌ها، وضعیت کنونی حکمرانی دانشگاهی را در نظام آموزش عالی ایران ارزیابی کنند. شاخص‌های مذکور در چهار بعد: زمینه‌ای (۶ مورد)، مالی (۱۲ مورد)، علمی (۱۷ مورد) و سازمانی (۱۵ مورد) تعریف شد. در مرحله کمی پژوهش به‌منظور انجام تحلیل عاملی و بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه‌تجاری در آموزش عالی ایران، سنجه در اختیار نمونه‌های پژوهش قرار گرفت. به جهت بررسی مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی، ابتدا آزمون KMO و کرویت بارتلت انجام شد (جدول ۴) که مقادیر محاسبه‌شده نشان از تناسب داده‌ها داشت. با انجام تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم و با توجه به مقادیر گزارش‌شده شاخص‌های نکوئی برازش، مدل نظری سنجه پژوهش حاضر به‌صورت تجربی نیز تأیید شد (جداول ۵ و ۶). در ادامه به‌منظور انجام آزمون T تک نمونه‌ای و اطمینان از نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که نتایج حاصل مبین نرمال بودن داده‌ها داشت. با توجه به اینکه هدف اصلی پژوهش بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه‌تجاری در آموزش عالی ایران بود، میانگین نمونه با میانگین مفروض، با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای مقایسه شد که نتایج حاصل نشان از معناداری تفاوت میانگین نمونه با میانگین مفروض داشت. جهت این تفاوت نشان از کمتر بودن میانگین جامعه داشته است و می‌توان گفت که گرایش حکمرانی دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران به سمت حکمرانی شبه‌تجاری کمتر از مقدار میانگین مفروض بوده است (جدول ۷). به‌منظور رتبه‌بندی ابعاد از آزمون فریدمن استفاده شد که نتایج در جدول ۸ ارائه‌شده است. همان‌طور که مشخص است بالاترین میانگین مربوط به بعد سازمانی و کمترین میانگین نیز متعلق به بعد زمینه‌ای بوده است.

جدول ۳- شاخص‌های حکمرانی بازار گرا در آموزش عالی ایران

ابعاد	شماره	شاخص	منبع
زمینه‌ای	۱	میزان رقابتی بودن بخش‌های مختلف کشور	برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش
	۲	میزان تمایل فرا سیستم‌های سیاسی در تمرکززدایی سیاست‌گذاری آموزش عالی	برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش

[۱]. لازم به ذکر است که پرسشنامه پژوهش حاضر در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت و بر مبنای گرایش به حکمرانی شبه‌تجاری تدوین شد.

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

	۳	وجود زیرساخت‌های تنوع‌بخشی به بودجه‌ها و درآمدهای آموزش عالی	برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش
	۴	سرعت انعطاف‌پذیری و سازگاری آموزش عالی با تغییرات محیطی	برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش
	۵	درون‌زا یا برون‌زا بودن فرایند ارزیابی فعالیت‌های مختلف دانشگاهی	برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش
	۶	پارادایم مدیریتی غالب در بخش آموزش عالی (بروکراتیک، کارآفرینانه یا ...)	برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش
مالی	۷	ممیزی مالی (توسط دولت یا دانشگاه)	فیلدن، ۲۰۰۸: ۵۵
	۸	رویکرد تأمین مالی دولتی (تعیین‌شده و آیتمی- پرداخت مجموعی – ترکیبی- مبتنی بر ورودی- مبتنی بر خروجی)	دابینز و دیگران، ۲۰۱۱: ۶۷۶، آگاستیسی و کاتالانو، ۲۰۰۶: ۲۵۱، دابینز و نیل، ۲۰۰۹: ۴۰۸، دابینز و لیزیت، ۲۰۱۳: ۹۹۲-۹۹۱
	۹	اختیار عمل در منابع مالی غیردولتی (ارائه به وزارتخانه- اختیار کامل در تخصیص)	اختر و کلثوم، ۲۰۱۲: ۸۷، آقیون، ۲۰۱۰: ۱۷، دی‌بوئر، ۲۰۰۷: ۳۵
	۱۰	هزینه‌ها (به‌صورت آیتمی- استقلال کامل در تخصیص بودجه)	دابینز، ۲۰۱۱: ۶۷۹
	۱۱	تعیین شهریه برای دانشجویان بومی و بین‌المللی (ثابت و تعیین‌شده توسط وزارتخانه- در اختیار دانشگاه)	آگاستیسی و کاتالانو ۲۰۰۶: ۲۵۱، فیلدن، ۲۰۰۸: ۵۵، اختر و کلثوم، ۲۰۱۲: ۸۷
	۱۲	خصوصی بودن یا عمومی بودن منابع بودجه‌ای دانشگاه	آگاستیسی و کاتالانو، ۲۰۰۶: ۲۵۱، موک، ۲۰۰۹: ۳۶
	۱۳	میزان دخالت دولت در تعیین دستمزدها و حقوق‌ها	آقیون، ۲۰۱۰: ۱۷
	۱۴	سهم بودجه دانشگاه از بودجه‌های تحقیقاتی	آقیون، ۲۰۱۰: ۱۷
	۱۵	میزان تأکید دانشگاه برافزایش درآمدها	کارنگی و تاک، ۲۰۱۰: ۴۳۸-۴۳۶
	۱۶	میزان توجه دانشگاه بر استانداردهای گزارشگری مالی، مکانیسم‌های نظارتی به‌منظور تسهیل کنترل سازمانی و توجه به بحث هزینه – فایده به‌منظور گزارش دهی	کارنگی و تاک، ۲۰۱۰: ۴۳۸-۴۳۶، دی‌بوئر، ۲۰۰۷: ۳۵
	۱۷	میزان توانمندی و مهارت اعضای هیئت‌علمی دانشگاه در	ترک‌من، ۲۰۰۸: ۶۷

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

		مدیریت مالی و پاسخ‌گویی	
	۱۸	تصمیم‌گیری درباره سیاست‌های ثبت‌نام دانشجویان و اختیار در گزینش دانشجویان (دولت- استقلال دانشگاهی)	آگاستیسی و کاتالانو، ۲۰۰۶: ۲۵۱، اختر و کلثوم، ۲۰۱۲: ۸۷
علمی	۱۹	میزان و تعداد ثبت‌نام دانشجویان	فیلدن، ۲۰۰۸: ۵۵
	۲۰	تعیین و پذیرش سهمیه‌های گروه‌های خاص	فیلدن، ۲۰۰۸: ۵۵
	۲۱	تعریف دوره‌های تحصیلی جدید و ملغا نمودن دوره‌های قبل	آگاستیسی و کاتالانو، ۲۰۰۶: ۲۵۱
	۲۲	طراحی برنامه درسی و گزینش منابع درسی (دولت – مدیریت دانشگاه و ذی‌نفعان دانشگاهی)	دابینز و لیزیت، ۲۰۱۳: ۹۹۲
	۲۳	تعیین استانداردهای آزمون و فارغ‌التحصیلی	برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش
	۲۴	اولویت‌های پژوهشی	فیلدن، ۲۰۰۸: ۵۵
	۲۵	تعیین چشم‌انداز و اهداف برای سیستم‌های آموزش عالی	دی‌بوئر، ۲۰۰۷: ۳۵
	۲۶	پژوهش در زمینه سیاست‌ها و اهداف سیستم‌های آموزش عالی	کاپانو، ۲۰۱۱: ۱۶۲۸-۱۶۲۶
	۲۷	ارزیابی کیفیت تدریس	دابینز و دیگران، ۲۰۱۱: ۶۷۶
	۲۸	جهت‌گیری تدریس و پژوهش	بلیکلی، ۲۰۱۳: ۱۳
	۲۹	مأموریت اولیه دانشگاه (رضایت‌بخشی در زمینه اهداف اجتماعی و اقتصادی دولت- ارائه خدمات به مصرف-کنندگان دانشگاهی و رضایت بخشی به خواسته‌های بازار)	دابینز و دیگران، ۲۰۱۱: ۶۷۶
	۳۰	تنظیم برنامه‌های درسی	نیبوم، ۲۰۰۳: ۱۴۴
	۳۱	اختیار در تصویب سیاست‌ها و تصمیمات مربوط به دانشجویان	آگاستیسی و کاتاانو، ۲۰۰۶: ۲۵۱
	۳۲	اختیار در تعیین سیاست‌های بهبود بازار کار	آگاستیسی و کاتالانو، ۲۰۰۶: ۲۵۱
	۳۳	میزان توجه به نیازهای ذی‌نفعان اعم از دانشجویان،	ترکمن، ۲۰۰۸، ۷۲؛ بلیکلی، ۲۰۱۳: ۱۳، دی-

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

		کارکنان، دولت، اعضای هیئت‌علمی و ...	بوئر و دیگران، ۲۰۰۷: ۳۵
	۳۴	میزان توجه به ارتقا رتبه دانشگاهی	پالاس و ویلدن، ۲۰۱۳: ۱۲
	۳۵	انتصابی یا انتخابی بودن مدیران دانشگاه و بخش‌ها	فیلدن، ۲۰۰۸: ۵۵
سازمانی	۳۶	استخدام (انتصاب) یا اخراج اعضای هیئت‌علمی و اساتید دانشگاهی و تعیین مشخصات اعضای هیئت‌علمی	آقیون، ۲۰۱۰: ۱۷، دی‌بوئر و دیگران، ۲۰۰۷: ۳۵
	۳۷	میزان همگونی تصمیمات، قوانین و رویه‌های موجود آموزش عالی در حمایت از حکمرانی دانشگاهی شبه تجاری	برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش
	۳۸	میزان توجه به مهندسی مجدد ساختارهای سازمانی دانشگاه و آموزش عالی بر اساس محرک‌های درونی و بیرونی	برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش
	۳۹	توافق در زمینه گستره و شکل سیستم‌های آموزش عالی	اختر و کلثوم، ۲۰۱۲: ۸۷
	۴۰	نظارت بر عملکرد دانشگاهی	فیلدن، ۲۰۰۸: ۵۵
	۴۱	بلوغ سازمانی دست‌اندرکاران مختلف آموزش عالی	برآمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش
	۴۲	گردآوری داده‌های آماری از بخش‌های مختلف آموزش عالی	فیلدن، ۲۰۰۸: ۵۵
	۴۳	وضع مقررات دانشگاهی (دولت- مدیریت دانشگاه- اعضای هیئت‌علمی)	دابینز و دیگران، ۲۰۱۱: ۶۷۴
	۴۴	استانداردها و الگوهای کنترلی و ارزیابی کیفیت (وزارتخانه‌ای – دولتی یا شبه‌دولتی- خودکنترلی علمی)	دابینز و نیل، ۲۰۰۹: ۴۰۸، پالاس و ویلدن، ۲۰۱۳: ۳
	۴۵	پیشینه حرفه‌ای مدیران (مدیریت عمومی- مدیریت (management)- متخصصین و عالمان)	دابینز و دیگران، ۲۰۱۱: ۶۷۸
	۴۶	میزان (و مبانی قانونی) استقلال دانشگاهی و آزادی علمی	بلیکلی، ۲۰۱۳: ۹-۶، ترک‌من، ۲۰۰۸: ۶۴
	۴۷	میزان تأکید بر ذی‌نفعان دانشگاهی در فرایند سیاست-گذاری	بلیکلی، ۲۰۱۳: ۱۳

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

	۴۸	میزان کنترل مدیریت بر فرایند سیاست‌گذاری دانشگاهی	بلیکلی، ۲۰۱۳: ۱۳
	۴۹	میزان نقش دولت در بهبود کیفیت و کاهش دادن هزینه-ها	فرلی، ۲۰۰۸: ۳۲۷–۳۲۸
	۵۰	میزان اعطای قدرت به اعضای هیئت‌علمی در زمینه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری	ترک‌من، ۲۰۰۸: ۶۶

جدول ۴- آزمون کفایت و مجاز بودن تحلیل عاملی

KMO	Bartlett's Sphericity Test	
	کای دو محاسبه‌شده	**سطح معناداری**
۰/۷۷۱	843/612	۰/۰۰۰

جدول ۵- مقادیر شاخص‌های نکوئی برازش حاصل تحلیل عاملی مرتبه اول

شاخص‌های نیکوئی برازش برای بعد زمینه‌ای							
شاخص برازندگی	**χ2/df**	**RMSEA**	**GFI**	**AGFI**	**NFI**	**NNFI**	**IFI**
مقادیر قابل‌قبول	<2	<0.1	>0.9	>0.9	>0.9	>0.9	0 - 1
مقادیر محاسبه‌شده	۱,۱۱۷	0.0۶۲	0.9۴	0.9۲	0.9۶	0.9۱	0.9۴
شاخص‌های نیکوئی برازش برای بعد مالی							
مقادیر محاسبه‌شده	۱,۳۰۶	0.0۷۶	0.9۱	0.9۰	0.9۶	0.9۵	0.9۲
شاخص‌های نیکوئی برازش برای بعد علمی							
مقادیر محاسبه‌شده	۱,۵۲۱	0.0۲۹	0.۹۳	0.9۱	0.9۵	0.9۳	0.9۷
شاخص‌های نیکوئی برازش برای بعد سازمانی							
مقادیر محاسبه‌شده	۱,۶۷۳	0.0۴۵	0.9۳	0.9۲	0.9۲	0.9۱	0.9۵

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

جدول ۶- مقادیر شاخص‌های نیکوئی برازش در تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم

شاخص برازندگی	χ2/df	RMSEA	GFI	AGFI	NFI	NNFI	IFI
مقادیر قابل‌قبول	<2	<0.1	>0.9	>0.9	>0.9	>0.9	0 - 1
مقادیر محاسبه‌شده	۱,۶۰۶	0.0۵۳	0.9۷	0.9۴	0.9۴	0.9۶	0.9۳

جدول ۷- نتایج آزمون T تک نمونه‌ای

متغیر	آماره T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
حکمرانی دانشگاهی بازار گرا	۱۸/۹۶۰	۲۴۱	۰/۰۰۰	-۱/۱۳۵

جدول ۸- نتایج آزمون فریدمن

متغیر	میانگین رتبه‌ها
بعد سازمانی	۲/۲۱۵
بعد علمی	۲/۰۳۸
بعد مالی	۱/۸۸۲
بعد زمینه‌ای	۱/۸۶۵

نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی همگرایی حکمرانی دانشگاهی و کنش‌های شبه‌تجاری در آموزش عالی ایران بود. به‌منظور دستیابی به این هدف شناسایی شاخص‌های حکمرانی شبه‌تجاری (بازار گرا) در آموزش عالی ایران، به‌عنوان یکی از اهداف جزئی پژوهش، موردتوجه قرار گرفت. به این منظور با استفاده از روش کیفی مرور اسنادی و کتابخانه‌ای که مشتمل بر مطالعه ده‌ها مقاله، سند، کتاب و گزارش بود و همچنین انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با ۹ نفر از خبرگان و متخصصین موضوع، ۵۰ شاخص شناسایی شد. در راستای انسجام مفهومی بیشتر، طبقه‌بندی شاخص‌ها با استفاده از نظرات مشارکت‌کنندگان (و متعاقباً بررسی نظرات با استفاده از آزمون دوجمله‌ای) و مطالعه ادبیات پژوهش، انجام پذیرفت. حاصل این مرحله از پژوهش، طبقه‌بندی ۵۰ شاخص، در قالب چهار بعد زمینه‌ای، مالی، علمی و سازمانی بود. شاخص‌های مذکور در قالب سنجه‌ای ۵۰ گویه‌ای در اختیار مشارکت‌کنندگان بخش

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

کمی پژوهش قرار گرفت. به‌منظور تأیید تجربی مدل نظری پژوهش، تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم اجرا شد که نتایج حاصل با توجه به شاخص‌های نکوئی برازش، نشان از تأیید مدل پژوهش داشت.

در ادامه پس از اطمینان از نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف، مقایسه میانگین به‌دست‌آمده پژوهش با مقدار مفروض، با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای صورت پذیرفت. نتایج حاصل نشان از تفاوت معنادار مقدار میانگین‌ها داشت. جهت این اختلاف حاکی از پایین‌تر بودن میانگین نمونه پژوهش حاضر داشت. ازآنجاکه گویه‌های سنجه بر مبنای گرایش کنونی حکمرانی آموزش عالی ایران در راستای گزینش رویکرد حکمرانی شبه‌تجاری تدوین‌شده بودند، تفاوت میانگین حاضر به معنای واگرایی بین نوع حکمرانی دانشگاهی و فعالیت‌های بازارمحورانه و شبه‌تجاری دانشگاه است.

می‌توان اذعان نمود که در عین تأکیدات نهادهای بخشی و فرا بخشی آموزش عالی ایران در قالب اسناد بالادستی (برنامه‌های توسعه، سند چشم‌انداز، سیاست‌ها و برنامه‌های وزارت علوم و غیره) که خواهان ترغیب آموزش عالی ایران در جهت گزینش کارکردهای بازارگرایانه و شبه‌تجاری فعالیت‌های دانشگاهی بوده‌اند، هنوز این همگرایی در بخش حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی ایران وجود ندارد و طبعاً تا این همگرایی بین حکمرانی دانشگاهی و تقاضاهای بازار گرایی و شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران، رنگ واقعیت نگیرد، کارکردهای شبه‌تجاری فعالیت-های دانشگاه نمی‌تواند مجال تحقق بهینه بیابد و گاه این دوگانگی کارکردی و ساختاری منجر به بروز ابهاماتی در عملکرد دانشگاه می‌گردد که ناشی از تضادهای ماهوی موجود بین برنامه‌ها و توانمندی‌هاست.

به‌منظور شناخت بهتر وضعیت ابعاد چهارگانه سنجه پژوهش، از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج این آزمون نشان از پایین‌تر بودن میانگین بعد زمینه‌ای به نسبت سایر ابعاد است. با مراجعه به گویه‌های این بعد، مواردی مانند میزان رقابتی یا انحصاری بودن بخش‌های مختلف کشور؛ وجود زیرساخت‌های تنوع‌بخشی به بودجه‌ها و درآمدهای آموزش عالی؛ میزان تمایل فرا سیستم‌های سیاسی در تمرکززدایی سیاست‌گذاری آموزش عالی و غیره مشاهده می-شود. آموزش عالی ایران به جهت موفقیت در حصول به رویکرد تجاری‌سازی نیازمند توجه بیشتر به رقابتی بودن بخش‌های مختلف فرا بخشی آموزش عالی دارد و مادامی‌که اهمیت رقابت در بخش‌های مختلف ازجمله صنعت، خدمات و غیره در جامعه درک نشود و انحصار در این حوزه‌ها وجود داشته باشد، طبیعتاً تحقق حکمرانی شبه‌تجاری دانشگاه چندان کارآمد، رهگیری نخواهد شد. از سویی دیگر تغییرات وسیع در عرصه محیطی آموزش عالی چه در سطح متغیرهای درونی و چه در سطح متغیرهای بیرونی، چابک بودن ساختارهای آموزش عالی و انعطاف و قدرت سازگار شوندگی آن‌ها را طلب می‌کند که مطمئناً این انعطاف و سازگار شوندگی نمی‌تواند در فضای متمرکز کنونی

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

آموزش عالی ایران مجال بروز بیابد. در حقیقت یکی از الزامات جدی آموزش عالی ایران در جهت اتخاذ حکمرانی شبه‌تجاری به‌منظور همخوانی با خواسته‌های موجود، کاستن از تمرکز موجود و حرکت در جهت استقلال دانشگاهی به‌واسطه عدم تمرکز است.

از دیگر موارد مهم در این بعد، تنوع‌بخشی به منابع بودجه‌ای دانشگاه در آموزش عالی ایران است که می‌باید به‌مانند بسیاری از دانشگاه‌های برتر دنیا که وابستگی کمتری به منابع بخش عمومی دارند، امکان دستیابی به منابع دیگر را کسب کنند، منابعی مانند قراردادهای تجاری با بخش‌های مختلف صنعت و تولید، ارائه خدمات به زیرسیستم‌های جامعه، سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون علمی و توسعه‌ای، حمایت از ایده‌های خلاقانه، توسعه پارک‌های علم و فناوری و غیره، ولی در حال حاضر، عموماً بودجه‌های موردنیاز دانشگاه‌های ایران، به‌واسطه بودجه‌های سالیانه دولتی تأمین می‌گردد که طبیعتاً با توجه به تنگناهای روزافزون در بخش منابع عمومی دولت، کارکردهای دانشگاه گاه با چالش‌های جدی مواجه می‌شود؛ بنابراین یکی دیگر از وجوه حائز اهمیت در تحقق بهینه حکمرانی شبه‌تجاری آموزش عالی در ایران، توجه به تنوع‌بخشی به منابع بودجه‌ای دانشگاه است.

میانگین محاسبه‌شده برای بعد مالی نیز حاکی از این است که تفاوت معناداری بین گرایش به حکمرانی شبه‌تجاری و تقاضاهای تجاری‌سازی فعالیت‌های دانشگاه وجود دارد. با توجه به نظریات جدیدی مانند رویکرد نوین مدیریت عمومی که تکاپوی دانشگاه‌ها را در مباحثی همچون جهانی‌شدن و بین‌المللی اندیشیدن پدید آورده است و همچنین اثرگذاری این مفاهیم در بافتار و ساختار آموزش عالی کشورهای مختلف و تحریک آن‌ها به همسویی با رویکردهای شبه‌تجاری- در عین حفظ ارزش‌های پذیرفته‌شده برای علم و دانشگاه -(رک: کاپانو، ۲۰۱۱، داکوسکا[1]، ۲۰۱۴، دیگو، ۲۰۱۴، الستالو و پلتولا، ۲۰۰۶)- مباحث مالی و بودجه‌ای دانشگاه‌ها اهمیتی روزافزون یافته است. میزان نقش دانشگاه در تعیین حقوق و دستمزد اعضای هیئت‌علمی یکی از مواردی است که در حکمرانی شبه‌تجاری مدنظر بوده است، درحالی‌که در آموزش عالی ایران این مسئله به‌گونه‌ای متمرکز در اختیار بخش‌های فرا دانشگاهی و فرا بخشی است؛ بنابراین در جهت کاربست هر چه کاراتر اندیشه‌های حکمرانی شبه‌تجاری دانشگاه، لازم است تا واگذاری اختیارات در این‌گونه موارد، بر عهده دانشگاه‌ها گذاشته شود.

طبق یافته‌های پژوهش، در رویکرد کنونی حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی ایران توجه اندکی به استانداردهای گزارشگری مالی می‌شود، رویکرد دانشگاه باید در جهتی هدایت شود که سازوکار گزارشگری و ممیزی مالی، همنوایی بیشتری با حکمرانی شبه‌تجاری داشته باشد، همچنان که بر اساس تجارب پژوهشی محقق، هنوز دانشگاه-

[1]. Dakowska

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

های ایران قادر (راغب) به ارائه گزارش‌های تفصیلی مالی سالیانه، آن‌چنان‌که بسیاری از دانشگاه‌های پیشرو، به تهیه آن مبادرت می‌کنند، نیستند و بعضاً به مواردی کلی و مبهم اشاره می‌کنند که نمی‌تواند چندان مستند و کاربردی باشد؛ بنابراین ترغیب دانشگاه‌ها در جهت استانداردهای گزارشگری و ممیزی مالی می‌تواند تا حدود زیادی همگرایی رویکرد حکمرانی دانشگاه‌ها را با خواسته‌های شبه‌تجاری در پی داشته باشد.

در بعد علمی حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری، در برخی موارد دانشگاه‌ها توانسته‌اند استانداردها و شاخص‌های این نوع حکمرانی را رعایت نمایند به‌عنوان‌مثال در زمینه تعریف دوره‌های تحصیلی جدید و ملغا نمودن دوره‌های قبل، دانشگاه‌ها تا حدودی از اختیار برخوردارند و می‌توانند با ارائه برنامه و درخواست به تغییر دوره‌های تحصیلی اقدام نمایند که این مسئله می‌تواند در جهت هم‌راستایی با تغییرات جامعه و بازار کارف که یکی از ضروریات گزینش رویکرد حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری است، عامل مهمی باشد. از سویی دیگر دانشگاه‌ها در زمینه تغییر برنامه‌های درسی دوره‌های مختلف تحصیلی نیز در سال‌های اخیر و همگام با مباحث تجاری‌سازی دانشگاه، تصمیم‌گیرنده و دارای اختیار شده‌اند، هرچند که درصد این اختیار بر مبنای واحدهای درسی بعضاً از حدود سی درصد تجاوز نمی‌کند، ولی همین میزان نیز نشان از تغییرات در حکمرانی دانشگاهی و در جهت تأثیرپذیری از متغیرهای بیرونی دانشگاه است که اتفاقی مثبت در تغییر رویکرد کنونی حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی ایران بوده است.

در زمینه جهت‌گیری فرایند تدریس و پژوهش در دانشگاه‌ها نیز، باید گفت با توجه به نظرات مشارکت‌کنندگان پژوهش، هنوز انطباق قابل‌توجهی بین تدریس و پژوهش با خواست‌ها و نیازهای محیطی شکل نگرفته است و نیاز به بازاندیشی در این محور، به جد احساس می‌شود، چراکه هرگونه جهت‌گیری شبه‌تجاری دانشگاه مستلزم بررسی نیازهای محیطی است تا کارکردهای دانشگاهی چندان فارغ از نیازهای بازار کار و جامعه نباشد.

در بعد سازمانی حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری در نظام آموزش عالی ایران نیز می‌توان مواردی را بر اساس یافته‌های پژوهش، حائز اهمیت دانست به‌عنوان‌مثال انتخاب مدیران سطوح بالای دانشگاه چندان توافقی با نوع حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری و بازار گرا ندارد و بیشتر جنبه انتصابی دارند درحالی‌که با توجه به مستندات پژوهش حاضر در رویکرد حکمرانی دانشگاهی شبه‌تجاری، گزینش این مدیران علاوه بر انتخابی بودن، دیگر ذی‌نفعان دانشگاهی را نیز درگیر در این فرایند می‌داند و به آرای آن‌ها نیز توجه می‌شود. همچنین مادامی‌که دانشگاه رویکرد حکمرانی شبه‌تجاری را مدنظر داشته باشد، شایستگی‌های مدیران دانشگاهی را نیز، در زمینه مهارت، دانش و نگرش در راستای برخورداری هر چه بیشتر در زمینه تحقق بهینه فرایند تجاری‌سازی دانشگاه، تعریف می‌کند (رک: امین مظفری و دیگران، ۱۳۹۰).

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

به‌طور کل با توجه به مباحثی که گذشت و نتایج و یافته‌های پژوهش کنونی، می‌توان اذعان نمود که دانشگاه‌ها در جهت انطباق محیطی و استمرار حیات، در راستای گزینش رویکردهایی نوین از حکمرانی دانشگاهی، همچون حکمرانی شبه‌تجاری و بازار گرا و گونه‌های نوین از این نوع حکمرانی مانند حکمرانی شرکتی و کارآفرینانه حرکت نموده‌اند (رک: دیل[1]، ۲۰۰۳، دابینز، ۲۰۱۷، موک و هان، ۲۰۱۷، موک، ۲۰۱۰، لو و تانگ، ۲۰۱۷، لورنز[2]، ۲۰۱۲، مک-لندن و دیگران[3]، ۲۰۰۷، تایلر[4]، ۲۰۱۳، ویلر[5]، ۲۰۰۰، ارکیلا[6]، ۲۰۱۴، سام و سیج، ۲۰۱۴). بدون شک دانشگاه‌های ایران نیز، مستثنی از مواجهه با چالش‌های محیطی و انطباق با تغییرات فزاینده آن نیستند و باید بر تناسبات ساختاری خود در زمینه موفقیت، بقا و استمرار فعالیتی، شتاب بیشتری به سازگاری خود با محیط متلاطم درونی و بیرونی خود بدهند.

آن‌چنان‌که از نتایج پژوهش حاضر برمی‌آید رویکرد کنونی حکمرانی دانشگاهی در آموزش عالی ایران چندان قرابتی با خواسته‌هایی که در زمینه‌های شبه‌تجاری برای دانشگاه و بخش آموزش عالی مطرح می‌شود، ندارد و گاه منجر به ابهامات و تضادهایی در فهم نقش دانشگاه توسط دست‌اندرکاران این بخش شده است. به نظر می‌رسد به‌منظور تسهیل تحرک دانشگاه در جهت اتخاذ رویکردهای شبه‌تجاری، نهادینه‌سازی شاخص‌های این نوع حکمرانی، در بخش‌ها و زیر بخش‌های نظام آموزش عالی ایران، موردنیاز است. در این راستا می‌توان راهکارهایی سیاستی زیر را مدنظر قرارداد.

- ✓ تدوین سیاست‌های بخشی و فرا بخشی به‌منظور ترغیب و الزام دانشگاه‌ها به ارائه گزارش‌های مالی منسجم، مفصل و به‌روز؛
- ✓ تدوین سیاست‌های بخشی و فرا بخشی در جهت جلب مشارکت فعال ذی‌نفعان آموزش عالی اعم از بخش صنعت، خدمات و کشاورزی، به‌منظور سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در آموزش عالی؛
- ✓ توسعه سیستم‌های ارتباطی تعاملی نزد سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان آموزش عالی به‌منظور چابک سازی در انطباق با تحولات محیطی؛

[1]. Dill
[2]. Lorenz
[3]. McLendon
[4]. Taylor
[5]. Weiler
[6]. Erkkilä

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

- ✓ شناسایی موانع بازدارنده در کارکرد بهینه نهادهای تسهیل‌کننده حکمرانی شبه‌تجاری دانشگاه ازجمله پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد دانشگاهی و ...؛
- ✓ ارائه سازوکاری در جهت حمایت از پیگیری پژوهش‌های تقاضامحور توسط اجتماع دانشگاهیان.

منابع

- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۲). نقد مدل سیاست‌گذاری در آموزش عالی ایران، گزارش نشست کرسی نقد اجتماعی آموزش عالی. انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- امیری فرح‌آبادی، جعفر؛ ابوالقاسمی، محمود؛ و قهرمانی، محمد (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی فرایند سیاست پژوهی در نظام آموزش عالی ایران؛ مطالعه‌ای کیفی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۸ (۴)، ۱۷۱-۱۳۹.
- امین مظفری، فاروق؛ پاداشی اصل، خورشید؛ شمسی، لقمان؛ و بوداقی، علی (۱۳۹۰). بررسی نقش و جایگاه میان‌رشته‌ای در رابطه دانشگاه و صنعت. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۴ (۱)، ۴۰-۲۵.

- Agasisti, T. & Catalano, G. (2006). Governance models of university systems—towards quasi-markets? Tendencies and perspectives: A European comparison. Journal of Higher Education Policy and Management, 28(3), 245-262.
- Aghion, P. Dewatripont, M. Hoxby, C. Mas-Colell, A. & Sapir, A. (2010). The governance and performance of universities: evidence from Europe and the US. Economic Policy, 25(61), 7-59.
- Akhtar, M. M. S. & Kalsoom, T. (2012). Issues of Universities' Governance in Pakistan. Journal of Elementary Education, 22(2), 81-94.
- Apkarian, J. Mulligan, K. Rotondi, M. B. & Brint, S. (2014). Who governs? Academic decision-making in US four-year colleges and universities, 2000–2012. Tertiary Education and Management, 20(2), 151-164.
- Bleiklie, I. Frølich, N. & Michelsen, S. (2013). Structuring perceptions of governance: Transforming Universities in Europe. In ECPR general conference–Bourdeaux, 5th–7th September.
- Bradshaw, P. & Fredette, C. (2009). Academic governance of universities: Reflections of a senate chair on moving from theory to practice and back. Journal of Management Inquiry, 18(2), 123-133.
- Broucker, B. De Wit, K. & Leisyte, L. (2015). New public management or new public governance for the higher education sector? An international comparison.

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

- Capano, G. (2011). Government continues to do its job. A comparative study of governance shifts in the higher education sector. Public Administration, 89(4), 1622-1642.
- Carnegie, G. D. & Tuck, J. (2010). Understanding the ABC of university governance. Australian Journal of Public Administration, 69(4), 431-441.
- Christensen, T. (2011). University governance reforms: potential problems of more autonomy? Higher Education, 62(4), 503-517.
- Creswell, J. W. & Miller, D. L. (2000). Determining validity in qualitative inquiry. Theory into practice, 39(3), 124-130.
- Dakowska, D. (2015). Between competition imperative and Europeanisation: the case of Higher Education reform in Poland. Higher Education, *69*(1), 129-141.
- Dao, K. V. (2015). Key challenges in the reform of governance, quality assurance, and finance in Vietnamese higher education–a case study. Studies in higher education, 40(5), 745-760.
- De Boer, H. F. Enders, J. & Leisyte, L. (2007). Public sector reform in Dutch higher education: The organizational transformation of the university. Public Administration, 85(1), 27-46.
- Delanty, G. (2002). The governance of universities: What is the role of the university in the knowledge society? The Canadian Journal of Sociology/Cahiers canadiens de sociologie, 27(2), 185-198.
- Dill, D. D. (2003). Allowing the market to rule: The case of the United States. Higher Education Quarterly, 57(2), 136-157.
- Diogo, S. (2015). Same challenges, different processes: perceptions on governance changes in Portuguese and Finnish higher education. *European* Journal of Higher Education, *5*(2), 211-225.
- Dobbins, M. (2017). Convergent or divergent Europeanization? An analysis of higher education governance reforms in France and Italy. International Review of Administrative Sciences, *83*(1), 177-199.
- Dobbins, M. (2017). Exploring higher education governance in Poland and Romania: Re-convergence after divergence? European Educational Research Journal, 1474904116684138.
- Dobbins, M. & Knill, C. (2009). Higher education policies in Central and Eastern Europe: convergence toward a common model? Governance, 22(3), 397-430.
- Dobbins, M. & Leišyte, L. (2014). Analysing the transformation of higher education governance in Bulgaria and Lithuania. Public management review, 16(7), 987-1010.

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

- Dobbins, M. Knill, C. & Vögtle, E. M. (2011). An analytical framework for the cross-country comparison of higher education governance. Higher Education, 62(5), 665-683.
- Donina, D. Meoli, M. & Paleari, S. (2015). Higher education reform in Italy: Tightening regulation instead of steering at a distance. Higher Education Policy, *28*(2), 215-234.
- Enders, J. (2004). Higher education, internationalisation, and the nation-state: Recent developments and challenges to governance theory. Higher education, 47(3), 361-382.
- Erkkilä, T. (2014). Global university rankings, transnational policy discourse and higher education in Europe. European Journal of Education, *49*(1), 91-101.
- Ferlie, E. Musselin, C. & Andresani, G. (2008). The steering of higher education systems: A public management perspective. Higher education, 56(3), 325.

- Ferlie, E. Musselin, C. & Andresani, G. (2008). The steering of higher education systems: A public management perspective. Higher education, 56(3), 325.

- Fielden, J. (2008). Global trends in university governance. Education working paper series, 9, 278200-1099079877269.
- Häyrinen-Alestalo, M. & Peltola, U. (2006). The problem of a market-oriented university. Higher Education, *52*(2), 251-281.
- Knott, J. H. & Payne, A. A. (2004). The impact of state governance structures on management and performance of public organizations: A study of higher education institutions. Journal of Policy Analysis and Management, 23(1), 13-30.
- Lo, W. Y. W. & Tang, H. H. H. (2017). Dancing with global trends: higher education policy and university governance in Hong Kong, 1997–2012. Journal of Educational Administration and History, *49*(1), 53-71.
- Lorenz, C. (2012). If you're so smart, why are you under surveillance? Universities, neoliberalism, and new public management. Critical inquiry, *38*(3), 599-629.
- McLendon, M. K. Deaton, R. & Hearn, J. C. (2007). The enactment of reforms in state governance of higher education: Testing the political instability hypothesis. The Journal of Higher Education, 78(6), 645-675.
- Mok, K. H. (2005). Globalization and educational restructuring: University merging and changing governance in China. Higher education, 50(1), 57-88.
- Mok, K. H. (2009). The growing importance of the privateness in education: Challenges for higher education governance in China. Compare, 39(1), 35-49.

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

- Mok, K. H. (2010). When state centralism meets neo-liberalism: managing university governance change in Singapore and Malaysia. Higher Education, *60*(4), 419-440.
- Mok, K. H. & Han, X. (2017). Higher education governance and policy in China: managing decentralization and transnationalism. Policy and Society, 36(1), 34-48.
- Ng, S. W. (2012). Rethinking the mission of internationalization of higher education in the Asia-Pacific region. Compare: A Journal of Comparative and International Education, 42(3), 439-459.
- Nisar, M. A. (2015). Higher education governance and performance based funding as an ecology of games. Higher Education, *69*(2), 289-302.
- Nybom, T. (2003). The Humboldt legacy: reflections on the past, present, and future of the European university. Higher Education Policy, 16(2), 141-159.
- Pallas, J. & Wedlin, L. (2013). Governance of science in mediatized society: Media rankings and the translation of global governance models for universities.
- Quyên, Đ. T. N. (2014). Developing university governance indicators and their weighting system using a modified Delphi method. Procedia-Social and Behavioral Sciences, *141*, 828-833.
- Ross, F. & Woodfield, S. (2017). Mutuality, metaphor and micropolitics in collaborative governance: a joint venture in UK Higher Education. Higher Education Quarterly, *71*(1), 33-52.
- Rowlands, J. (2013). Academic boards: less intellectual and more academic capital in higher education governance? Studies in Higher Education, 38(9), 1274-1289.
- Sam, C. & Van Der Sijde, P. (2014). Understanding the concept of the entrepreneurial university from the perspective of higher education models. Higher Education, 68(6), 891-908.
- Santiago, R. Carvalho, T. & Cardoso, S. (2015). Portuguese academics' perceptions of higher education institutions' governance and management: a generational perspective. Studies in Higher Education, *40*(8), 1471-1484.
- Shattock, M. (2002). Re–balancing modern concepts of university governance. Higher Education Quarterly, 56(3), 235-244.
- Susanti, D. (2011). Privatisation and marketisation of higher education in Indonesia: the challenge for equal access and academic values. Higher Education, 61(2), 209-218.
- Taylor, M. (2013). Shared governance in the modern university. Higher Education Quarterly, 67(1), 80-94.

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]

- Trakman, L. (2008). Modelling university governance. Higher Education Quarterly, 62(1-2), 63-83.
- Weiler, H. N. (2000). States, markets and university funding: New paradigms for the reform of higher education in Europe. Compare: A Journal of Comparative and International Education, *30*(3), 333-339.
- Yonezawa, A. & Shimmi, Y. (2015). Transformation of university governance through internationalization: Challenges for top universities and government policies in Japan. Higher Education, 70(2), 173-186.

[Downloaded from ihej.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.4.3.2]